



چهره پردازی

اهداف: در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که:

- ۱- خاستگاه هنر چهره‌پردازی در نمایش را بیان کند.
- ۲- تاریخچه به کارگیری چهره‌پردازی در نمایش را بیان کند.
- ۳- کاربرد چهره‌پردازی در نمایش‌های غربی را توضیح دهد.
- ۴- رابطه چهره‌پردازی و نمایش واقعیت‌گرا را شرح دهد.
- ۵- شبیه‌سازی در چهره‌پردازی را توضیح دهد.
- ۶- کاربرد چهره‌پردازی در سینما و تلویزیون را به طور مختصر بیان کند.
- ۷- تأثیرات نور بر چهره مجری در تلویزیون را بنویسد.
- ۸- گرم صورت بازیگر را براساس شخصیت نقش انجام دهد.





۱-۶- تاریخچه چهره پردازی در نمایش

در یونان باستان، تس پیس نه تنها مبتکر صورتک برای نمایش های تراژدی بود بلکه اولین هنرمندی بود که در مسابقات نمایش در جشنواره دیونیزوس، چهره بازیگرانش را با دُرد و برگ درختان آرایش کرد. در یونان و روم باستان همان گونه که شرح داده شد، بازیگران به دلایلی از صورتک استفاده می کردند. چهره پردازی در حد بسیار ابتدایی را در قرون وسطی در درام های مذهبی می توان یافت. بازیگران همه مرد بودند. داستان نمایش، زندگی حضرت مسیح و قدیسان بود. قدیسان بر چهره آرد مالیده و از ریش و موهای بلند سفید مصنوعی استفاده می کردند. چهره فرشتگان نیز سفید بود. شیطان گاه صورتک و گاه رنگ سیاه بر چهره داشت. در قرن شانزدهم میلادی در نمایش های کمیدالآرته، شخصیت های طبیعی (عشاق) چهره را سفید می کردند و لوده های این دوره از پوست و پشم حیوانات برای خود پوسته سر طاسی و ریش و سبیل می ساختند. از زمانی که نمایش از فضای بیرونی به فضای درونی آورده شد، به علت نبود وسیله روشنائی صحنه، بازیگران مجبور بودند چهره ها را با آرد سفید کنند. در قرن هفدهم میلادی در کشور فرانسه، مولیر^۱، بازیگر و نمایشنامه نویس معروف فرانسوی، از چهره پردازی استفاده می کرد. بازیگران با مالیدن آرد یا پودر بر چهره و رنگ آمیزی گونه ها و لب ها ایفای نقش می کردند. بازیگران مرد کلاه گیس های بزرگ و بلند مجعد قهوه ای و قرمز بر سر گذاشته، ریش و سبیل کوچک بر صورت داشتند. در قرن هجدهم میلادی در کشورهای فرانسه و انگلستان، بازیگر زن، نخست نوعی خمیر سفید بر چهره مالیده و با رنگ روغنی قرمز، گونه ها و لب را رنگ آمیزی می کرد. سپس کلاه گیس های بسیار بزرگ را به کار می برد و روی کلاه گیس، پودر سفید می زد.

در آن دوران انواع پودرهای رنگی و معطر موجود بود. بازیگر مرد نیز از همان خمیر و پودر استفاده می کرد و ریش و سبیل مصنوعی می گذاشت. در قرن نوزدهم میلادی در کشور فرانسه بازیگران زن و مرد از پن کک استفاده می کردند. برای تغییر شخصیت، پن کک با رنگ های مختلف موجود بود. بازیگر مرد کلاه گیس و ریش و سبیل مصنوعی به کار می برد. در اوایل قرن بیستم با راه یافتن نور بر صحنه و استفاده از برق، تحولی در صحنه به وجود آمد. مابین دو جنگ جهانی، بازیگران چهره را بدون روشی خاص مانند گذشته چهره پردازی می کردند. در سال های سی و چهل میلادی چهره پردازی به شکل امروزی ابداع شد و کارخانه های لشنر^۲، ماکس فاکتور^۳ و غیره، لوازم چهره پردازی برای تئاتر و سینما ساختند و روز به روز بر تنوع لوازم جدید، برای بهتر و طبیعی تر نشان دادن چهره بازیگر مقابل دوربین و صحنه تئاتر افزوده شد.

در دوره قاجاریه، شاهد نفوذ نمایش غرب در ایران هستیم. آثار مولیر در این دوره ترجمه می شود و اولین شرکت نمایشی به نام «فرهنگ» تأسیس می گردد. پس از مشروطیت، با به هم پیوستن هنرمندان و نویسندگان، اولین گروه نمایشی عصر حاضر با نام «تئاتر ملی» تأسیس گردید. به طور کلی مشاهده می شود که از آغاز قرن بیستم میلادی فعالیت های نمایشی در ایران رواج بیشتری می یابد. در این دوران چهره پردازی، روش خاصی نداشته و اغلب بازیگران، خود، رنگ های زمینه صورت را با چربی و رنگدانه ها درست می کردند. از دهه ۱۳۴۰ ه.ش لوازم چهره پردازی از خارج وارد و چهره پردازی با لوازم و روش های جدید ارائه می گردد.

از مراسم نمایش های کهن ایرانی می توان به نمایش های شادی آور دوران صفوی مانند: میرنوروزی، نوروزی خوانی، آتش افروز، غولک، کچلک بازی و غیره اشاره کرد که اغلب از چهره پردازی استفاده کرده اند. کچلک بازی توسط لوطی های کچل محل اجرا می شود. اگر سر طاس نبود، آن را طاس می کردند. در نمایش های بقال بازی از پشم حیوانات، ریش و سبیل ساخته می شد و برای مُسن جلوه دادن، بازیگران آرد به سر می مالیدند. در تمام این نمایش ها بازیگران مرد بودند. پسران جوان، چهره را با سفیدآب، سفید می کردند. چشم و ابروان را سرمه می کشیدند و گونه و لب هایشان را قرمز کرده، کلاه گیس زنانه بر سر می گذاشتند و نقش زن را ایفا می کردند. خوشبختانه امروزه حاجی فیروز با چهره سیاه و لباس رنگی در مناسبت ویژه خود در شهر حضور می یابد. دیدن او، شادی، زندگی دوباره و تاریخ کهن ما را به ما القا می کند. در نمایش شاد سنتی روحوضی یا تخته حوضی که در گذشته های دور (در مراسم عروسی و جشن ها) اجرا



می‌گردید، بر پایهٔ بداهه‌پردازی بازیگران، مسائل و مشکلات زندگی مردم را انعکاس می‌دادند. بازیگر اصلی نمایش، سیاه است که برگرفته از شخصیت‌های نوروزخوانی و میر نوروزی در دوران گذشته است. او چهرهٔ خود را با دودهٔ چوب یا سوخته‌های چوب پنبه، سیاه می‌کرد (تصویر ۱-۶).

در شبیه‌خوانی یا تعزیه که نمایش‌دهندهٔ رویدادهای فاجعهٔ تاریخی کربلا (شهادت امام حسین (ع) و پیروانش به دست سپاهیان یزید) است، ایفای نقش زنان به عهدهٔ شبیه‌خوانان مرد است. چهره‌پردازی تا حدودی در این نوع نمایش به کار می‌رود مانند گل مالیدن بر سر و روی، رنگ قرمز برای نشان دادن خون بر سر و روی، چهرهٔ شیطان به رنگ قرمز، و مالک دوزخ و جنیان، خالدار و غیرعادی نشان داده می‌شود (تصویر ۲-۶).



تصویر ۲-۶



تصویر ۱-۶

۲-۶- چهره‌پردازی و شخصیت‌پردازی در نمایش

اصل و ریشهٔ پرسونالیت^۱ به معنای شخصیت و پوشش (صورت‌ساختگی) و پرسوناژ^۲ به معنای شخصیت نمایش است. در طول تاریخ، دانشمندان نظریات خاصی در مورد «شخصیت» داشته‌اند و اغلب بین شخصیت و شخص فرق گذاشته‌اند. آنها بر این باورند که انسان دارای دو ساختار ظاهری و برونی و معنوی یا درونی است. شخصیت ظاهری و برونی، تحت تأثیر محیط‌های طبیعی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. در طرف دیگر شخصیت درونی و معنوی ذات انسان قرار دارد که آن را روح، جوهر یا نفس می‌نامند.

پرسوناژ، شخصیت نمایش یا شخصیت معنوی همان صورتک دوران یونان و روم باستان است که بازیگر برای هر یک از نقش‌ها با صورتکی به بازی آن می‌پرداخت. امروزه چهره‌پردازی جایگزین این روش شده است.

بازیگر پس از خواندن متن نمایش، با شخصیت نمایش که باید آن را اجرا کند آشنا می‌شود. سپس شخصیت نمایشی را از نظر ظاهری و احساسات و عواطفی که باید بر روی صحنه ارائه دهد با دقت مطالعه می‌کند. او سعی می‌کند در عواطف و احساسات، نحوهٔ تفکر، عکس‌العمل و شیوهٔ رفتار او سهیم شود. هدف بازیگر آن است که شخصیت خود را در قالب شخصیت نمایشی نادیده گرفته و از بین ببرد. گاه بازیگر کمی از شخصیت نمایش فاصله می‌گیرد. در این موقع او در صدد یکی‌پنداری دقیق عاطفی نیست و بیشتر متوجه کشف صفات جسمانی و گفتاری متناسب با شخصیت است نه زوایای پنهانی روحش.

از قول بازیگر پر آوازه، سر لارنس اولیویه^۳ گفته شده است که یافتنِ بینی مناسب، کلید حل معمای یک شخصیت نمایشی برای او بوده است. گاه بازیگر برای اجرای یک شخصیت نمایشی به یک سلسله از مهارت‌ها مانند ژست‌های قراردادی و سنتی سروکار دارد؛ مانند نمایش کابوکی، نمایش چین، و کاتاکالی هند. در تئاتر غرب این رابطهٔ بازیگر با شخصیت نمایش را می‌توان در لال‌بازی



مارسل مارسو^۱ مشاهده کرد.

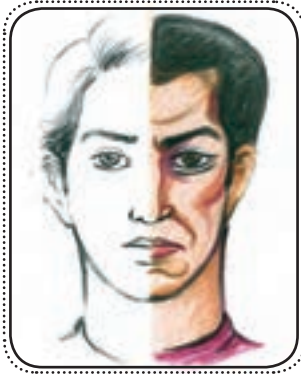
چهره پرداز آگاه است که ظاهر فرد تا حدودی نمایانگر باطن اوست. چهره جزئی از ارگانیسم جسم است که در معرض دید قرار دارد. این قسمت بازگو کننده درون و ذات محسوب می شود. چهره پرداز برای نمایش در نقش آفرینی، با ظرافت این پیوستگی را با شخصیت بخشیدن ظاهری به چهره، و با برجسته کردن حالات و میمیک بازیگر میسازد. چهره پرداز زمانی موفق است که بازیگر این پیوستگی را با دیدن خود در آینه احساس کند. در آن صورت، شخصیت ساخته شده بر چهره، که ظاهر و شخصیت برونی نمایشی است با حس او ادغام شده و او شخصیت ثابت و واحدی را ارائه می دهد؛ این یعنی هماهنگی مابین ظاهر و باطن. چهره پرداز با آگاهی به این که هر چهره دارای حالات خاص خود است و در آن چهره بازیگر را به دقت بررسی کرده، بر حسب شخصیت نمایش، حالات و حرکات چهره او را تقویت می کند. تمام سعی و کوشش چهره پرداز این است که ظاهر شخصیت نمایش را با ظاهر چهره بازیگر تلفیق کند. و وظیفه بازیگر آن است که با تلاش، این شخصیت نمایشی را ماهرانه به تماشاگر ارائه دهد.

۱-۲-۶- شخصیت نمایشی

- ۱-۱-۲-۶- **لاغر کردن:** بعد از فون زدن، سایه های صورت را ابتدا در کناره های شقیقه ها ایجاد کرده و سپس بینی را با سایه، باریک و بلند می نمایانند. سپس خطوط مدور چشم و کاسه چشم و خط لب ایجاد می شود. سایه گونه ها به صورت شیب دار و ابروها مطابق با شخصیت مورد نظر اجرا می گردد. روشنی ها نیز هماهنگ با حجم های ایجاد شده ایجاد می شود (تصویر ۳-۶).
- ۱-۲-۲-۶- **چاقی:** اگر چهره بازیگر گرد نباشد، با سایه ها شکل صورت را به شکل گرد نزدیک می کنیم. سایه ها در رستنگاه موها، زیر بینی و زیر چانه ایجاد می شود. ابرو، چشم و خط لب، گرد و لب ها کوچکتر ترسیم می گردد (تصویر ۴-۶).
- ۱-۳-۲-۶- **منفی:** چشم و ابرو را به هم نزدیک کرده، خط لب بازتر از حد معمول ایجاد می شود. سایه های شقیقه ها عمود بر ابروان رسم می گردد. گوشه های لب به پایین کشیده می شود و زیر لب عضله مربع چانه را مشخص می سازند. گونه ها بالاتر از حد معمول خود ایجاد می شود (تصویر ۵-۶).
- ۱-۴-۲-۶- **مثبت:** فاصله چشم و ابرو را از هم زیاد کرده و خط لب گرد ایجاد می شود. گوشه های لب به بالا کشیده می شود (تصویر ۶-۶).



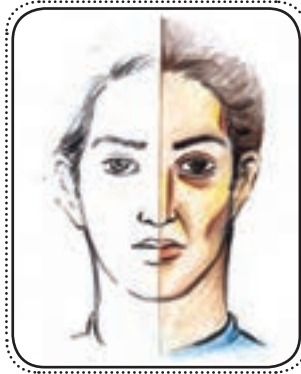
تصویر ۶-۶



تصویر ۶-۵



تصویر ۶-۴



تصویر ۶-۳

۱-۵-۲-۶- **معتاد:** فن را کمی متمایل به خاکستری کرده، با رنگ قهوه ای دودی سایه ایجاد می شود. پلک ها را دودی



زرشکی کرده و چشم و ابرو (ابروها به صورت افتاده) را از هم باز می‌کنند. لب‌ها با زرشکی دودی رنگ آمیزی شده و به صورت افتاده کار می‌شود (تصویر ۶-۷).

۶-۱-۲-۶- بیمار: فن را متمایل به زرد کرده، با سایه‌ها صورت را ابتدا لاغر می‌کنند. ابروان، گوشه‌های چشم و گوشه‌های لب را به صورت افتاده ایجاد می‌کنند (تصویر ۶-۸).

۶-۱-۲-۷: روش پیر کردن تا ۵۰ سالگی: سایه‌های شقیقه‌ها را ایجاد کرده، خط لب و سایه‌های گونه به صورت افتاده ایجاد می‌شود. سپس خطوط مدور چشم را مشخص می‌سازند. در دو طرف چانه، دو خط کوتاه به صورت عدد ۸ با سایه ایجاد می‌شود. خطوط روی پیشانی را رسم می‌کنند. در این سن، موها را کمی سفید کرده؛ خطوط ریز اطراف چشم نیز رسم می‌گردد (تصویر ۶-۹).



تصویر ۶-۹



تصویر ۶-۸



تصویر ۶-۷

۶-۲-۲- نژادهای مختلف:

۶-۲-۲-۱ سفید پوست (اروپایی): فن چهره در گروه رنگ صورتی روشن کار شود، گونه‌ها مشخص شده و بینی کوتاه می‌گردد. اطراف چشم‌ها با آبی یا سبز کم رنگ، رنگ آمیزی شده، ابروان را به رنگ قهوه‌ای روشن یا زرد در می‌آورند. لب با رنگ صورتی ملایم و کمی باریک ایجاد می‌شود. از کلاه گیس‌های طلایی برای این نژاد می‌توان استفاده کرد (تصویر ۶-۱۰).

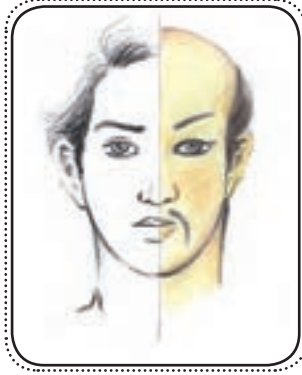
۶-۲-۲-۲ سیاه پوست: فن را به قهوه‌ای دودی متمایل کرده و سایه‌ها را از رنگ فن تیره‌تر در نظر می‌گیرند. گونه‌ها را مشخص ساخته، بینی را پهن و پره‌های بینی را مشخص می‌کنند. چشم‌ها را گرد و ابروان را تیره می‌کنند. لب‌ها درشت‌تر می‌گردد و از موهای فردار سیاه استفاده می‌شود (تصویر ۶-۱۱).

۶-۲-۲-۳ زرد پوست: فن را کمی مایل به زرد کرده با آن روی ابروها را می‌پوشانند. در اطراف چشم‌ها روشنی ایجاد کرده و خطوط چشم را همانند ابروان، سربالا اجرا می‌کنند. لب‌ها کوچک‌تر و از سبیل و ریش کم پشت برای آقایان استفاده می‌گردد (تصویر ۶-۱۲).

۶-۲-۲-۴ سرخ پوست: فن را کمی متمایل به قرمز- نارنجی می‌سازند. گونه‌ها را مشخص و برجسته و بینی را عقابی یا پهن ایجاد می‌کنند. ابروها را تیره رسم کرده، از نقوش خاص قبایل سرخ‌پوست جهت رنگ آمیزی استفاده می‌کنند. از کلاه گیس و سربند نیز استفاده می‌شود (تصویر ۶-۱۳).



تصویر ۱۳-۶



تصویر ۱۲-۶



تصویر ۱۱-۶



تصویر ۱۰-۶

۳-۲-۶- نمایش کلاسیک^۱: در این سبک نمایش، مظاهر خوبی، راستی، توانایی، شجاعت، بخشایش،

مهربانی، نیکوکاری، گذشت کردن و نجات، بر جهل، نادانی، خیانت، پستی، دروغ و تزویر پیروز می‌شود. چهره‌ها درشت و عضلانی اجرا می‌شود. سایه و روشن‌ها بر مبنای رنگ‌های لباس، بر چهره انجام می‌گیرد. در نمایش‌های اسطوره‌ای مانند پرومته در زنجیر، موهای شخصیت طلائی یا نقره‌ای رنگ‌آمیزی می‌گردد. بر روی سر، لای موها و بالای گوش‌ها، شاخ کوچکی به رنگ طلائی یا نقره‌ای نصب می‌شود.

امروزه نمایش‌های کلاسیک اغلب با صورتک‌های نیمه یا کامل از جنس چرم کار می‌شود و گاهی نیز از چهره‌پردازی تلفیقی برای چهره‌ها استفاده می‌کنند و روی موها رنگ‌آمیزی می‌شود.

۴-۲-۶- نمایش رومانتیک^۲: نویسندگان این سبک هیچ‌گاه مردم‌را آن‌گونه که بودند توصیف نمی‌کردند، بلکه آن‌چنان که باید باشند ترسیم می‌کردند. از این رو، این سبک در برابر واقع‌گرایی قرار می‌گیرد. حوادث و تضادهای زندگی بشر همراه با تفکرات و تخیلات آدمی ارائه می‌گردد و اغلب بیان احساسات و ارائه حالات شاعرانه، بخش مهمی را تشکیل می‌دهد. نمایش عظمت و نکبت، والایی و پستی، غم و شادی، به شکلی تنیده در جریان وقایع به نمایش گذاشته می‌شود.

چهره‌پردازی در این سبک نمایش بر مبنای دکور، لباس و نور انجام می‌پذیرد. از رنگ‌های کم‌رنگ استفاده می‌شود. در این سبک از نمایش، صحنه‌ها و چهره‌ها باید مانند تابلویی رؤیایی جلوه کند.

۵-۲-۶- نمایش واقعیت‌گرایا رئالیسم^۳: از دیدگاه فلسفی، سبک واقع‌گرایانه به «دیدن حقیقت همانگونه که هست» تعبیر شده است. در این نمایش، زندگی فردی و اجتماعی آن‌طور که هست عرضه می‌شود، نه آن‌گونه که فکر می‌کنیم باید باشد. در این سبک همیشه پیروزی با خوبی‌ها نیست، بلکه مانند وقایع زندگی، گاه آنچه که دلخواه و مورد تأیید تماشاگر نیست نیز واقع می‌گردد. تمام شخصیت‌ها، شخصیت اصلی نمایش هستند. چهره‌پردازی در این روش سعی در نشان‌دادن شخصیت‌هایی کاملاً طبیعی دارد. نمایش معمولاً در تماشاخانه‌های متوسط اجرا می‌شود. برای چهره از فن‌های چرب استفاده می‌شود که چهره طبیعی‌تر جلوه کند. به هیچ وجه برای موی و ریش و سبیل از کاموا و طناب استفاده نمی‌شود. چهره‌پرداز موظف است که بیشتر به تقویت حالات صورت بازیگران کمک کند.

۶-۲-۶- نمایش طبیعت‌گرایا ناتورالیسم^۴: در این سبک، نویسندگان حوادث و وقایع زندگی را با تمام جزئیات، خوبی‌ها، زشتی‌ها و ناکامی‌ها بر صحنه نشان می‌دهند. این سبک نمایش را مکمل نمایش واقع‌گرای می‌دانند. صحنه و لباس با رنگ‌های سرد اجرا می‌شود. طراح چهره‌پرداز نیز برای شخصیت‌های نمایش رنگ‌های سرد را انتخاب می‌کند. گاه برای شخصیت‌های اصلی چهره‌های



تکیده، لاغر و رنگ پریده انتخاب می شود.

۶-۲-۷- نمایش نمادگرا یا سمبولیسم^۱: به اعتقاد نویسندگان این سبک، نمایش باید وسیله نجات و رستگاری انسان باشد و تأثیری همانند تأثیر مذهب، بر روح و روان آدمی داشته باشد، از نظر آنان واقعیت دنیای خارج، چیزی بی اهمیت بوده و واقعیت حقیقی تر در چیزهای درونی، مذهبی و مرموز نهفته است، ولی چنین واقعیتی را نمی توان مستقیماً از راه گفتار، عمل و صحنه پردازی ارائه کرد، بلکه باید از نمادها و اسطوره ها استفاده کرد. رنگ ها نقش اساسی در چهره پردازی دارند. مفاهیم رنگی و تأثیر روانی رنگ در صحنه و اثر آن بر تماشاگر از موارد بسیار با اهمیت این سبک نمایش است. رنگ دارای مفاهیم خاصی است. محتوای اصلی، رابطه نور و ظلمت است. نور و ظلمت در اساطیر ایرانی، چینی، خاورمیانه ای و در نزد سرخ پوستان و... دو نیروی متخاصم خیر یا خوبی و شر یا بدی عنوان شده اند.

در این سبک نمایش، صورتک ها به عنوان نماد، استعاره و تمثیل ارائه شده و به صورت کامل، متوسط و نیمه مورد استفاده قرار می گیرند.

۶-۲-۸- نمایش بیانگرا یا اکسپرسیونیسم^۲: در این سبک، نویسندگان علاقمند به تصویر کردن حالات عذاب آور، ناخوش و اغلب نزدیک به جنون شخصیت های اصلی بودند. نشان دادن شخصیت های تنها، سرخورده و درون گرای از جهان بیگانه، از ویژگی های این سبک از نمایش است. این گونه از نمایش، بازیگری را می طلبد که بتواند احساسات، تمایلات و تأثیرات درونی خود را از طریق حرکات مناسب و حالات چهره به تماشاگر القاء کند. طراح چهره پرداز سعی می کند با رنگ ها؛ سایه ها و خطوط، تأثیرات درونی را بر چهره بازیگر بازگو کند. سایه ها اغلب با رنگ های بنفش آبی، زرشکی آبی، و آبی دودی ایجاد می شود.

۶-۲-۹- نمایش فراواقعیتگرا یا سورئالیسم^۳: این سبک از نمایش تا حدودی شبیه به رومانتیک است، با این تفاوت که در سبک رومانتیک، تخیل محدود ولی در این نمایش، نامحدود و بی نهایت است. تماشاگر را به واقعیتی فراتر از زندگی واقف می سازد. از صحنه های رؤیایی، عجیب و غریب و نورهای رنگی، سر و صداها موسیقایی جهت تسخیر روح تماشاگر استفاده می کند تا او را به دنیایی رؤیایی و خیالی بکشاند. طراح چهره پردازی برای چهره ها از رنگ های گوناگون مات و براق، صورت های بزرگ و کوچک و موهای رنگی استفاده می کند.

۶-۲-۱۰- نمایش گروتسک^۴: گروتسک دارای معانی بسیاری است مانند خوفناک، ناهماهنگ، افراطی، طنزآمیز، طعنه آمیز، ترس آور و کاریکاتور. بارزترین خصیصه گروتسک، عنصر ناهماهنگی است. گروتسک با ظاهری خنده آور، محتوایی خوفناک و ترس آور را دربردارد. پس از مشاهده اثر، نخست در فرد نشاط و خنده ایجاد می شود. طراح چهره پرداز، سعی می کند از خلال هماهنگی های اجزای چهره و بدن بازیگر، ناموزونی ها و عدم تناسب ها را دربابد و با کمی اغراق آنها را برجسته تر کند. برای مثال: بینی درازتر و یا گردتر. و به طور کلی برای تک تک اعضای چهره نیز این عمل را انجام می دهد. استفاده از رنگ برای ایجاد تضاد در چهره است. گاه رنگ های شاد را در مقابل رنگ های سرد قرار می دهد. صورتک های کوچک و بزرگ با نقش های ناهماهنگ و کاریکاتور مانند برای بازیگر به کار می رود. این ناهماهنگی نه تنها بر چهره، گاه بر بدن نیز انجام می شود، مانند پای بی نهایت بزرگ، یا یک چاقی اغراق آمیز و یا یک شکم بی نهایت برآمده.

۶-۲-۱۱- نمایش پوچی^۵: نویسندگان این سبک معتقد بودند اگر زندگی بی معنا و پوچ است، این پوچی را فقط می توان به کمک شکلی همان قدر پوچ و بی معنا بیان کرد. ناامنی، بی ریشه گی، بی تفاوتی و پوچی از ویژگی های این نمایش است.

طراح چهره پردازی برای این نوع نمایش بر حسب نقش و ماهیت شخصیت ها دو نوع طرح ارائه می کند. گاه چهره شخصیتی را حقیقی طراحی می کند و گاه در مقابل، شخصیتی را با چهره پردازی تلفیقی.



۳-۶- چهره بردازی برای سینما و تلویزیون

۱-۳-۶- مختصری از چهره بردازی برای سینما : طراح چهره برداز، برای شخصیت بردازی، این موارد را باید در نظر بگیرد. آشنایی با سبک و نوع فیلم، نژاد، ملیت، زمان، مکان، روان شناسی (شخصیت)، نوع فیلم، حرکت دوربین، اندازه نما، آشنایی با رنگ دکور، لباس، عناصر صحنه و زیبایی شناسی. به همین جهت، طراح چهره بردازی برای ارائه کاری صحیح، لازم است از ذهنیت کارگردان و فیلم بردار در مورد کاری که می خواهد انجام بگیرد اطلاع حاصل کند. به طور کلی طراح چهره برداز، پس از آگاهی از خواسته کارگردان، در طول فیلم برداری باید با فیلم بردار در ارتباط باشد و با توجه به نظرات آنها، و همچنین ملاحظه طراحی نور، حرکات و زوایای دوربین و بازیگران، طرح های متناسب را اجرا کند. انتخاب فن چهره بازیگر دارای اهمیت بسیاری است. نخست رنگ چهره بازیگر مطرح است. آن گاه منبع نور که به لحاظ خارجی بودن نما و یا داخلی بودن آن، اهمیت دارد.

هر چهره علاوه بر رنگ اصلی، دارای رنگ مایه های مختلف است :

الف) چهره با پوست روشن دارای رنگ مایه های قرمز، آبی و سایه های بنفش آبی کم رنگ است.

ب) چهره با پوست گندمگون دارای رنگ مایه اُکر، صورتی و زیتونی با سایه های زیتونی دودی یا قهوه ای است.

ج) چهره با پوست سبزه دارای رنگ مایه اُکر، زیتونی، زرد کم رنگ با سایه های زیتونی دودی است.

د) چهره با پوست سبزه تیره دارای رنگ مایه های زیتونی، زرد یا بنفش با سایه های زیتونی دودی یا بنفش است.

امروزه برای فن بازیگر از فن های مایع استفاده می شود، چون رنگ جذب پوست می شود و چهره را طبیعی تر نشان می دهد. برای کلوزآپ (نمای بزرگ) چهره، علاوه بر انتخاب صحیح فن چهره بازیگر، باید رنگ مایه های بسیار ظریف بر چهره کار شود. به طور کلی فن های سینما کدر هستند و با تأثیر فرق بسیار دارند.

طریقه فن زدن به چهره نیز با زدن فن در چهره بردازی برای تئاتر متفاوت است. فن چهره با اسفنج نمناک از بالای چهره، پیشانی شروع به شکل نیم دایره آرام روی چهره ایجاد می شود و در بعضی نواحی زیگزاگ، مانند خطوط اطراف لب، تمام چهره، گوش ها، گردن، بناگوش، پشت گردن، دست ها. برای سایه و روشن از اسفنج استفاده می شود : یک اسفنج برای سایه زدن و یک اسفنج برای ایجاد روشنی. در چهره بردازی برای دوربین به طور کلی خط نباید وجود داشته باشد. از رنگ های سفید و سیاه استفاده نمی شود. برای رنگ سفید از رنگ شیری یا عاجی و از دودی تیره به جای سیاه. برای مدل دادن به ابروان با قلم موی ظریف، تک مو اضافه می شود. سایه های چهره بر اساس رنگ چهره یا فن ایجاد می گردد. معمولاً از رنگ های دودی، قهوه ای دودی، قهوه ای تیره و غیره استفاده می شود. برای نمای بزرگ سایه ها از فن یک تا دو درجه تیره تر و برای روشنایی، از فن یک تا دو درجه روشن تر استفاده می شود. ریشه مژه ها نقطه چین شده و نقطه چین ها با قلم مو تبدیل به سایه می شود. ریمل بدون رنگ برای حالت دادن به مژگان استفاده می شود. سعی می شود لب ها طبیعی نشان داده شوند. در خاتمه پودر بی رنگ به تمام چهره زده می شود. باید دقت شود پودر ابروان و مژه ها، اطراف مو و ریش و سبیل را آغشته نکند. امروزه با فیلم برداری با دوربین های دیجیتال چهره بردازی باید ظریف و دقیق تر از گذشته اجرا شود.

۲-۳-۶- چهره بردازی برای تلویزیون : چهره بردازی در این مورد مانند سینما، به شکلی ظریف و دقیق انجام می شود.

رنگ های فن کدر هستند. در مقابل دوربین تلویزیون، برای انتخاب رنگ چهره باید دقت فراوان شود. چون رنگ ها شدت پیدا می کنند، لذا برای دکور، لباس و چهره و صورتک نباید از رنگ های درخشان استفاده کرد؛ مانند قرمز، نارنجی، زرد و سبز درخشان. اگر لازم باشد که این رنگ ها به کار گرفته شود، باید رنگ ها را کدر کرد. چهره بردازی بازیگران تله تئاتر نیز همانند چهره بردازی تلویزیون انجام



می‌پذیرد. برای چهره‌پردازی مجری تلویزیون برای مثال (مجری اخبار) باید موارد ذیل به کار گرفته شود :
الف) شناخت چهره.

ب) متعادل‌سازی بر چهره انجام شود.

ج) تا حدودی چهره لاغر مجری چاق شود.

د) تا حدودی چهره چاق مجری لاغر شود.

هـ) چهره، با نشاط نشان داده شود.

و) هماهنگی مو، ریش و سبیل با فرم چهره.

ز) هماهنگی چهره مجری با رنگ دکور، لباس.

برای نورپردازی روی چهره، نور تخت استفاده می‌شود. نور تخت چهره را شاد و چهره لاغر را کمی چاق و تخت نشان می‌دهد. برای این نور حتماً باید گونه‌ها فن زده شوند.

۳-۳-۶- شبیه‌سازی : برای نمایش سریال یا فیلم سینمایی که شخصیتی تاریخی را بخواهند نشان دهند، باید بازیگری انتخاب شود که قد، چهره و اعضای آن شبیه شخصیت نمایش باشد. اگر شخصیت دارای چهره‌ای مستطیل، مربع یا مثلث شکل باشد، چهره بازیگر باید نزدیک به این شکل‌ها باشد. فاصله چشم‌ها از هم، از ابروان، به خصوص مدل بینی حائز اهمیت است. چهره‌پردازی می‌تواند تا حدودی این موارد را رفع کند. مدل بینی، فک و برآمدگی بالای ابروان می‌تواند با حجم‌سازی آماده شود. چهره‌پردازی، خود باید در این زمینه تحقیق به عمل آورد و روی چهره، مدل ریش و سبیل و موها مطالعه کند. چهره شخصیت نمایش را تمام رخ و نیم‌رخ در نظر بگیرد تا اگر نیاز به حجم‌سازی باشد، از چهره بازیگر با پودر آلژینات قالب گرفته شود و سپس از روی آن قالب، قالب مثبت تهیه شود، و بر قالب مثبت مدل بینی یا فک ساخته شود تا دوباره قالب‌گیری انجام گردد. اگر گریم برای نمایش صحنه‌ای باشد با لاتکس می‌توان کار را آماده کرد ولی برای تلویزیون و سینما از موادی که کار ظریف‌تری طلبد باید بهره برد، مانند لاتکس کفی^۱ و دیگر مواد جدیدی که روز به روز از کارخانه‌های لوازم چهره‌پردازی تولید و به دنیای هنر معرفی می‌گردد.



آزمون های فصل ششم

- ۱- چه کسی را اولین مبتکر صورتک در نمایش های تراژدی می دانند؟
- ۲- در قرن هجدهم میلادی در کشورهای فرانسه و انگلستان چهره پردازی بازیگر زن چگونه بود؟
- ۳- در قرن هجدهم میلادی کشورهای فرانسه و انگلستان، چهره پردازی بازیگر مرد چگونه بود؟
- ۴- در کدام دوره شاهد نفوذ نمایش غرب در ایران هستیم؟
- ۵- نمایش های شادی آور دوره صفوی را نام ببرید؟
- ۶- در نمایش سنتی تخته حوضی بازیگر سیاه با چه ماده ای صورت خود را سیاه می کند؟
- ۷- دو ساختار شخصیت انسان را نام ببرید.
- ۸- چهره پردازی در نمایش کلاسیک چگونه انجام می گیرد؟
- ۹- چهره پردازی در نمایش گروتسک چگونه انجام می شود؟
- ۱۰- در چهره پردازی سینما رنگ مایه های مختلف فن را منطبق با رنگ پوست توضیح دهید.
- ۱۱- مواردی که برای چهره پردازی مجری تلویزیون باید در نظر گرفت چیست؟